

به نام خدا
درس دهم



ا ← جاء

ا ← جئت

ا ← تأكل



سوره ی فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

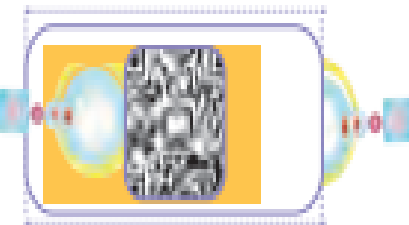
۲- أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

۳- وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

۴- تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ

۵- فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

با کتاب گویا یا رمزینه سریع پاسخ بخوانید.



انس با قرآن در خانه



سوره ی فیل را در خانه بخوان و با توجه به شکل جدید همزه (ا) کلمه ها و جمله های
قرآنی صفحه ی بعد را پیش خوانی کن.



جلسه ی دوم



سوره ی فیل



آموزش لوحه

بخش بخش بخوانید..



مَأْوَاهُمْ

تَأْكُلُ

رَافَةً

۱- وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ حفظ شود

۲- فَأَتَوْنَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

۳- لَا تَأْخُذْهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

۴- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ



وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ

فرد خوانی از روی کتاب خود، بخوانید.



حفظ قرآن جمله‌ی اول را از حفظ بخوانید.



انس با قرآن در خانه



این دو جمله‌ی قرآنی را بخوان.

خُذِ الْعَفْوَ

وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ

سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۹۹





در زمان‌های دور، در سرزمین یمن، مردی به نام ابرهه زندگی می‌کرد. او حاکمی بی‌ایمان و ظالم بود. یک روز ابرهه شنید که همه‌ی مردم برای عبادت به شهر مکه می‌روند. ابرهه خیلی ناراحت شد و تصمیم گرفت عبادتگاهی بهتر از کعبه بسازد. به دستور او بعد از چند ماه ساختمان بسیار بزرگی با سنگ‌های زیبای مرمر و مجسمه‌های دیدنی ساخته شد.

ابرهه به مردم دستور داد آن خانه را زیارت کنند؛ ولی مردم با ایمان، حرف او را گوش نکردند و مثل قبل به زیارت خانه‌ی کعبه می‌رفتند. ابرهه که ناراحت شده بود، فریاد زد: من به زودی به شهر مکه حمله می‌کنم و با فیل بزرگ خانه‌ی کعبه را از بین می‌برم.



لشکر ابرهه به طرف شهر مکه به راه افتاد و شب هنگام به مکه رسید. مردم مکه با شنیدن این خبر به کوه‌های اطراف شهر پناه بردند.

صبح روز بعد ابرهه دستور داد تا فیل بزرگ را بیاورند. اما لشکریان هرچه تلاش کردند، نتوانستند فیل را به حرکت وادار کنند. فیل به جای آن که به سوی شهر مکه برود، به سوی سرزمین یمن شروع به حرکت کرد. ابرهه که از آمدن فیل ناامید شده بود، با عصبانیت بر اسبی سوار شد تا لشکر را به سوی مکه حرکت دهد. در همین وقت تعداد بسیار زیادی پرنده‌ی کوچک در آسمان مکه دیده شدند. هر پرنده چند سنگریزه در نوک و چنگال‌های خود داشت. پرنده‌ها به لشکر ابرهه حمله کردند. آن‌ها سنگریزه‌ها را بر سر ابرهه و سربازانش انداختند. سنگریزه‌ها با شدت به سر و بدن آن‌ها می‌خورد و بدنشان را سوراخ و زخمی می‌کرد. ابرهه و لشکرش بدون این که بتوانند وارد شهر مکه شوند، با قدرت خداوند بزرگ از بین رفتند و خانه‌ی کعبه بر جای ماند.*

